

واکنش مردم و حامیان مصدق به دستگیری او

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۱۸:۲۷

اولین و مهمترین اعتراض سیاسی به موضوع کودتا و دستگیری مصدق را می‌توان در جنبش دانشجویی دید.

کافه تاریخ- مقالات

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیروزی کودتاچیان، به سرعت دادگاه نظامی جهت محکوم کردن مصدق و اقداماتش آغاز شد. جلسات دادگاه در نهایت مصدق را با اتهاماتی چون تلاش جهت بر هم زدن نظم و قانون اساسی، مجرم شناخت و او را به سه سال زندان محکوم نمود. مقارن با تشکیل دادگاه و نیز متهم ساختن مصدق، جامعه ایران نیز واکنشهای متفاوتی به این قضیه نشان داد. تبلور این واکنشها را می‌توان در ماجرای ۱۶ آذر، جبهه‌بندی متفاوت احزاب و دستگیری برخی از دوستان مصدق از سوی رژیم مشاهده نمود که با توجه به این مقدمه در ادامه به تشریح هر یک از این موارد پرداخته می‌شود.

کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری مصدق

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نقش فعالی در صحنه سیاسی و اقتصادی ایران پیدا کرد و توانست با حمایت از مواضع انگلیس، در کنار این کشور به مداخله و دست‌اندازی در امور کشور بپردازد. دو کشور بعد از ملی شدن صنعت نفت تلاش زیادی جهت در دست گرفتن منافع نفت ایران به کار بردند؛ اما زمانی که نتوانستند از طریق راهکارهای قانونی، به اهداف خود برسند، «به این جمع‌بندی رسیدند که برکناری دائمی مصدق تنها از طریق کودتایی مستقیم امکانپذیر است.»^۱ بعد از پیروزی کودتا به سرعت دادگاه نظامی علیه مصدق و برخی از هواداران او تشکیل شد و مصدق به سه سال زندان محکوم گردید. اولین دادگاه مصدق در ۱۷ آبان ۱۳۳۲ تشکیل شد و در دادگاه بعدی که در روز ۲۹ آذر ۱۳۳۲ شکل گرفت مصدق به سه سال زندان محکوم شد. متعاقب با این دادگاه‌ها و اتفاقا بعد از کودتا، جامعه ایران نیز به این موضوع واکنش نشان داد و فضای عمومی کشور با تغییراتی مواجه گشت. اولین و مهمترین واکنش را می‌توان از سوی طرفداران مصدق و به خصوص دانشجویان دید که به اشکال متفاوت مخالفت

خود با این موضوع را نشان دادند.

واکنش مردم و حامیان مصدق به دستگیری او

اولین و مهمترین اعتراض سیاسی به موضوع کودتا و دستگیری مصدق را می‌توان در جنبش دانشجویی دید. بعد از ملی شدن صنعت نفت و کودتا، بتدریج برخی از دانشجویان پایگاه اجتماعی خود را در جبهه ملی دیدند و هوادار آن حزب و رهبرش یعنی محمد مصدق گشتند. از این رو بعد از کودتا در اولین واکنش که در روز ۱۶ آذر همان سال و در اعتراض به سفر نیکسون معاون وقت رییس‌جمهور آمریکا صورت گرفت، دانشجویان ضمن اعتراض به این موضوع به هواداری از مصدق نیز پرداختند. دانشجویان با شعار زنده باد مصدق، واکنش خود را نسبت به تحولات سیاسی کشور و از جمله دستگیری مصدق نشان دادند. البته شایان ذکر است که حمایت مردمی از مصدق بعد از کودتا هیچگاه به مانند قیام ۳۰ تیر نبود. هر چند اکثریت جامعه «حتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز به مصدق و نهضت ملی وفادار ماندند.»^۲

با این حال عملکرد مصدق و خوشبینی و اعتماد بیش از حد او به آمریکا موجبات نارضایتی برخی از روحانیون و مردم را به دنبال داشت و باعث شد تا بتدریج برخی از پایگاه‌های اجتماعی او از بین برود. بر اساس این شرایط برخی از حامیان مصدق در جبهه ملی و سایر احزاب نیز به جرگه مخالفان او پیوستند. از جمله این افراد می‌توان به مظفر بقایی و حسین مکی اشاره نمود که تا پیش از کودتا از هواداران و دوستان مصدق بودند؛ اما بعد از کودتا و دستگیری او، مخالف مصدق و سیاستهایش گردیدند. این دو، در شکل‌گیری و پیروزی قیام ۳۰ تیر نقش مهمی داشتند و از جمله حامیان فکری مصدق بودند؛ اما به دلیل اختلافات فکری که بعد از قیام ۳۰ تیر اتفاق افتاد، به مخالفت با او پرداختند و بعد از دادگاه مصدق نیز حمایت چندانی از او نکردند.

علاوه بر نزدیکان مصدق، برخی از گروه‌های سیاسی و مذهبی چون فداییان اسلام که پیش از کودتا در کنار مصدق بودند، بعد از کودتا نسبت به او و جبهه ملی موضع منفی گرفتند و به مخالفت با آن پرداختند. این حزب معتقد بود که جبهه ملی درصدد جایگزین کردن کفر با مبانی اسلام است. چنانچه در یکی از نامه‌های اعتراض‌آمیز نواب به آیت‌الله مرعشی آمده است: «...جبهه ملی پس از فداکاریهای مسلمانان به جای مبانی اسلام خواستند با قدرت مسلمانان پایه‌های کفر و آزادیخواهی را بجای پایه‌های اسلام مستحکم کنند و برادران ما را برای همین به زندان انداختند.»^۳

دستگیری برخی از دوستان و نزدیکان مصدق

علاوه بر انشعاب و دودستگی میان برخی از هواداران مصدق که نتیجه مستقیم تحولات بعد از کودتا بود بسیاری از دوستان و نزدیکان مصدق نیز مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. چنانچه دکتر فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق پس از کودتا با حزب توده رابطه برقرار کرد و در خانه یکی از افسران عضو سازمان نظامی این حزب مخفی شد.^۴ اما در نهایت مخفیگاه او لو رفت و دستگیر شد.

سایر دوستان و همکاران مصدق نیز به سرنوشت مصدق و یا دکتر فاطمی دچار شدند. چنانچه، «مهندس رضوی و دکتر شایگان هریک به ده سال زندان محکوم شدند، هر چند بعد از مدتی آزاد شدند و به خارج از کشور رفتند...»^۵

بنابراین در تحلیل کلی و با توجه به اتفاقاتی که پیرامون وضعیت جامعه ایران بعد از دادگاه مصدق صورت گرفت، می توان گفت وقوع کودتا و کنار زدن مصدق از صحنه سیاسی کشور، باعث شد تا مخالفت‌های مردمی در قالب احزاب مختلف به مانند خاکستر زیر آتش پنهان گشته و با مهیا شدن شرایط لازم در قالب اعتراضات چند فوران گردد. گرچه این حوادث و قیام ها را به طور کامل نمی توان به موضوع مصدق و دستگیری او ارتباط داد؛ اما بدون شک این موضوع در کنار کودتا مهمترین نقطه عطف سیاسی جهت آغاز مخالفت‌های مردمی علیه رژیم پهلوی محسوب می شود.

بنابراین رژیم نیز که به خوبی متوجه این موضوع شده بود با متمرکز کردن منابع قدرت سیاسی و اجتماعی تلاش کرد تا مخالفان را به هر نحوی سرکوب نماید. از این رو قدرت سیاسی در این دوره بر حول محور ارتش و نهادهای امنیتی چون ساواک، درباریان و شخص شاه متمرکز شد و به دنبال آن بسیاری از مخالفان حکومت و کودتا دستگیر و یا مجبور به سکوت گشتند.

فهرست منابع

۱. یرواند آبراهامیان، کودتا، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲
- همایون کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۷۷
- روح الله حسینیان، نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد، ۱۳۸۴. ص ۸۱
- سید جلال الدین، مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۵۶۳
- مدنی، همان، ص ۵۶۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۸۷۵/واکنش-مردم-و-اکنشا>